

قانون باید منعطف باشد تا میان مادری و جایگاه شغلی مجبور به انتخاب نشویم

محبوبه قربانی
فهیمه کریمی مهر، مادر دختری ۱۳ساله است. او برای اینکه زمان بیشتری در کنار فرزندش باشد، از پست مدیریتی خود گذشته است. صدیقه غلامی، همکار او نیز پس از نزدیک به سه دهه کار و در آستانه بازنشستگی، هنوز حمله پسر ۲۵ساله‌اش را به یاد دارد: «مامان، تو که همیشه اداره بودی.» «ن دو روایت، اگر چه از شرایط متفاوتی می‌آیند، اما یک دغدغه مشترک دارند؛ چگونه می‌توان میان مادری و اشتغال، بدون قربانی کردن یکی به نفع دیگری، تعادل ایجاد کرد؟ حوزه آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پیش از مادر شدن ریاست گروه مطالعات و بررسی آسیب‌های اجتماعی را برعهده داشت که پس از تولد فرزندش از این سمت کناره گرفت. او معتقد است مسئله، ناتوانی زن در مدیریت نقش‌هایش نیست بلکه محیط کار باید امکان بیشتری برای هماهنگی مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی فراهم کند. صدیقه غلامی نیز در آستانه بازنشستگی، تجربه سال‌هایی را مرور می‌کند که بسپاری از امکانات امروز برای مادران شاغل وجود نداشت. اولین گفت‌وگوسو با فهیمه کریمی مهر درباره چالش‌های میان‌مادران و اشتغال آنها و ضرورت حمایت از مادران شاغل است. دومین گفت‌وگو نیز با صدیقه غلامی است که در آستانه بازنشستگی است و از سال‌های اشتغالش می‌گوید. سال‌هایی که به گفته خودش، بسیاری از امکانات امروز برای مادران شاغل نبود و وجود نداشت. ■ ■ ■

فهیمه کریمی مهر: چالش جدی، انتخاب اجباری میان مادری و اشتغال است

زن کارمند، به‌ویژه مادری که هم‌زمان مسئولیت شغلی و خانوادگی دارد، امروز با چه چالش‌هایی مواجه است؟ او می‌تواند هم مادر و همسر باشد و در عین حال یک کارمند موفق باقی بماند؟

مادر بودن و اشتغال به خودی خود در تضاد با یکدیگر نیستند. چالش جدی زمانی ایجاد می‌شود که ساختارهای کاری و خانوادگی امکان مدیریت هم‌زمان این نقش‌ها را دشوار می‌کنند. بنابراین یکی از چالش‌های مادران شاغل این است که چگونه در کنار حفظ هویت و جایگاه شغلی خود، حضور و ارتباط مؤثر با فرزندشان را نیز حفظ کنند. این مسئله نباید به انتخاب اجباری میان

مادری و اشتغال تبدیل شود.

در سال‌های اخیر، برای حمایت از مادران شاغل، قوانینی مانند دور کاری پیش‌بینی شده است. این قوانین برای شما کمک‌حال نبود؟ یکی از مشکلات این است که اجرای این امکان به موافقت مدیر وابسته می‌شود و همین مسئله می‌تواند در عمل مانع استفاده مادران از آن شود. من خودم این تجربه را داشتم، در مقطعی رئیس اداره بودم و از دور کاری استفاده می‌کردم، اما به مرور، به دلیل حجم کار، فشارهای موجود و حتی نگاه و اعتراض برخی همکاران، شرایط دور کاری تغییر کرد و روز دور کاری به یک روز کاهش یافت. این وضعیت برای من از نظر جسمی، روحی و حتی اقتصادی دشوار بود. در نهایت با اصرار خودم پسمن را که پست خوبی هم بود تحویل دادم. این تصمیم به نوعی به معنای تنزل جایگاه شغلی من بود اما وقتی آرامش فرزندم را دیدم، احساس کردم تصمیم درستی گرفته‌ام. یعنی در چنین شرایطی، مادر کارمند ناچار می‌شود میان حفظ جایگاه شغلی و نیازهای فرزندش یکی را انتخاب کند؟

نه همیشه و نه برای همه. این تجربه نشان داد ادامه این مسیر برای یک مادر شاغل می‌تواند بسیار دشوار باشد. گاهی فرد تلاش می‌کند هم کارش را به خوبی انجام دهد، هم برای همسر و فرزندش کم نگذارد و هم از نظر شخصی شرایط مناسبی داشته باشد، اما وقتی ساختار کاری انعطاف لازم را ندارد، فشار همه این نقش‌ها بر خود فرد جمع می‌شود. این فشار می‌تواند هم از نظر جسمی و روانی فرساینده باشد و هم احساس عقب‌ماندن از همکاران و هم‌رویهی‌ها را ایجاد کند. در واقع، مسئله این نیست که زن نمی‌تواند هم مادر باشد و هم کارمند موفق. مسئله این است که برای انجام هم‌زمان این نقش‌ها به حمایت و انعطاف بیشتری نیاز دارد.

نقش خانواده در حمایت از شما به عنوان مادر شاغل چگونه است؟ یکی از مشکلاتی که هنوز در فرهنگ بعضی از خانواده‌های ایرانی وجود دارد این است که مسئولیت اصلی مراقبت از کودک بیش از اندازه به مادر نسبت داده می‌شود. حتی اگر مادر از نظر زمانی یا جسمی شرایط بهتری نسبت به پدر نداشته باشد، من هم بارها در باره

زندگی سه‌شیفته مادران کارمند



آماده، برنامه‌ریزی دقیق روزانه و زندگی ظاهراً بی‌نقص دیگران، ممکن است این احساس را ایجاد کند که «همه از من بهتر از پس زندگی برمی‌آیند.» اما واقعیت زندگی معمولاً این‌طور نیست. خانه‌ها همیشه مرتب نیستند، شام گاهی غذای ساده‌ای است که در چند دقیقه آماده شده. مادر گاهی حوصله بازی ندارد. گاهی کودک به جای یک برنامه آموزشی، چند ساعت تلویزیون می‌بیند. گاهی جلسه کاری مهم‌تر از آن است که مادر بتواند به موقع به خانه برسد. اینها شکست نیستند، اسم‌شان زندگی است. مادر بودن قرار نیست یک آزمون بی‌پایان برای اثبات بی‌نقص بودن باشد.

یکی از چالش‌هایی که کمتر دیده می‌شود، چیزی است که می‌توان آن را «کار ذهنی خانه» نامید. خانه فقط جaro کردن، غذا پختن یا لباس شستن نیست. بخش بزرگی از مدیریت خانواده در ذهن اتفاق می‌افتد: چه چیزی باید خریداری شود؟ قبض چه زمانی پرداخت می‌شود؟ وقت دکتر چه روزی است؟ بچه چه تکلیفی دارد؟ لباس مدرسه آماده است؟ چه کسی باید فرزند را به کلاس ببر د؟ برنامه آخر هفته چیست؟ حتی وقتی ایسـن کارها به صورت فیزیکی توسط فرد دیگری انجام می‌شوند، گاهی برنامه‌ریزی آنها همچنان برعهده مادر است. همین بار نامرئی می‌تواند بسیار خسته‌کننده باشد. برای همین، حمایت از مادر شاغل فقط به این معنا نیست که همسرش گاهی ظرف بشوید یا در یک روز خاص بچه را به مدرسه ببرد. مسئله، تقسیم واقعی مسئولیت است، یعنی مدیریت خانواده نیز یک مسئولیت مشترک باشد. زندگی مشترک زمانی می‌تواند

تا مادر خوبی باشد. کار کردن برای بسیاری از زنان فقط به معنای دریافت حقوق نیست. شغل می‌تواند بخشی از هویت، استقلال، اعتمادبه‌نفس و احساس بودن آنها باشد. به همین دلیل، این تصور که با مادر شدن باید زن تمام خواسته‌های حرفه‌ای خود را کنار بگذارد، می‌تواند فشار دیگری ایجاد کند. مادر ممکن است هم‌زمان با عشق به فرزندش، به کارش نیز علاقه داشته باشد. ممکن است بخواهد پیشرفت کند، مسئولیت بیشتری بگیرد، مهارت جدیدی یاد بگیرد یا جایگاه حرفه‌ای خود دنبال می‌کند و شاید تمام دنیایش، همان چند ساعتی باشد که کنارش هستی. از همین‌جا یکی از سخت‌ترین چالش‌های مادران شاغل شروع می‌شود: انتخاب میان ماندن و رفتن؛ میان وقت گذراندن با کودکی که هر روز بزرگ‌تر می‌شود و شغلی که برای رسیدن به آن سال‌ها تلاش کرده‌ای، درس خوانده‌ای و تجربه اندوخته‌ای. برخی از همان ابتدا، قید کار و درآمد و سابقه شغلی‌شان را می‌زنند و تصمیم می‌گیرند کنار فرزند تازه به دنیا آمده‌شان بمانند. آنها مادری را انتخاب می‌کنند، که تمام وقت و بی‌وقفه، روزهای اول شاید از انتخاب‌شان مطمئن باشند و از دیدن اولین لبخندهای کودک خود، قدم‌های کوچکش و لحظه‌هایی که دیگر تکرار نمی‌شوند، نهایت لذت را ببرند. اما زمان که می‌گذرد، کم‌کم کنج‌های غم به سراغشان می‌آید، غم شغلی که از دست رفته، درآمدی که دیگر وجود ندارد و مسیری که پیش‌تر برای ساختنش تلاش کرده بودند و حالا دیگر آن را ندارند. گاه از خود می‌پرسند، اگر مانده بودم، امروز کی بودم؟ آیا می‌توانستم هنوز هم در اجتماع نقش داشته باشم؟ درآمدی داشته باشم؟ مستقل‌تر باشم و نتیجه سال‌ها تلاش و تجربه‌ام را از دست ندهم؟

در سویی دیگر این دو راهی، مادری‌ای هستند که با تمام سختی‌ها، شغلشان را حفظ می‌کنند. صبح‌ها کودک را به مهد می‌سپارند، از پرستار کمک می‌گیرند یا دانشا را به همراهی پدر و مادرشان خوش می‌کنند و صبح به صبح، راهی محل کار می‌شوند. آنها تمام تلاش‌شان را می‌کنند که هم مادر باشند و هم زن شاغلی که جایگاه حرفه‌ای و استقلال مالی‌اش را از دست نمی‌دهد. اما این انتخاب هم بی‌هزینه نیست. برای مادری که ساعت‌ها از فرزندش دور است، حتی فکر کردن به لحظه‌هایی که بدون حضور او می‌گذرند، می‌تواند آزاردهنده باشد، اولین کلمه‌ای که شاید نشنیدند، بازی‌ای که کنارش نبودند، یا اتفاق کوچکی که بعدها دیگر امکان تکرارش وجود ندارد. این مادر شاغل در محل کار است، اما بخشی از ذهن و دلش در خانه جا مانده، کنار تکیه‌ای و وجودش، که هر روز، بی‌آنکه منتظر را تنهایی انجام بدهی، چه کاری کرده‌ایم؟»

کاشانه

مدیرمسئول: محمد جواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر ویرانه‌نامه: حسین گل‌محمدی
همکاران تحریریه: نیره ساری، نیره محمودی
محبوبه قربانی
چاپ: همشهری



کاری مناسب می‌تواند کمک کند مادر هم از حضور در کنار فرزندش محروم نشود و هم از حقوق، مزایای اشتغال، بازتنسنگی و جایگاه شغلی خود محروم نماند. مادر نباید برای مادر بودن، از شغلش و برای شاغل بودن، از مادری‌اش بگذرد. ساختار خانواده و اشتغال باید به او کمک کنند که این دورا در کنار هم داشته باشد. ■ ■ ■

صدیقه غلامی: وقتی ساختار اشتغال انعطاف ندارد فشار آن روی مادر و خانواده می‌افتد

قبل از آغاز این گفت‌وگو، گفتید که پسر تان ۲۵ ساله است، اما هنوز بابت شاغل بودن شما در دوران کودکی گلایه دارد. این گلایه برای شما چه معنایی دارد؟

این موضوع برای من خیلی قابل تأمل است. پسرم از وابستگی شدید، تا زمانی که به کلاس اول رفت، مهد را نپذیرفت و فقط می‌خواست کنار من باشد. بعدها خیلی تلاش کردم این فاصله را جبران کنم، مثلاً بعد از اداره با او به پارک می‌رفتم و پنج‌شنبه و جمعه‌ها کاملاً برایش وقت می‌گذاشتم، اما خلاصاً به این سادگی‌ها جبران نمی‌شد به همین دلیل هنوز هم به من می‌گوید: «مامان، تو که همیشه اداره بودی.»

فکر می‌کنید اگر قوانین و شرایط اشتغال زنان در آن زمان مناسب‌تر بود، این گلایه‌ها کمتر می‌شد؟

امروز امکانات خیلی بهتر شده است. دور کاری و امکانات ایجاد شده برای مادران اتفاقاً خوبی هستند. اگر این حمایت‌ها در سال‌های گذشته هم وجود داشت، شاید من و بسپاری از مادران هم‌نسل مجبور نبودیم چنین فشاری را تجربه کنیم.

یعنی بخشی از این مسئله را باید متوجه ساختار اشتغال دانست، نه صرفاً انتخاب مادر؟ دقیقاً. نمی‌توان به مادری که در شرایط نامتناسب کار کرده، گفت چرا نتوانستی همه چیز را مدیریت کنی. وقتی ساختار اشتغال انعطاف ندارد، فشار آن مستقیماً روی مادر و خانواده می‌افتد. من خودم دو بار استعفا نوشتم، اما با استعفایم موافقت نکردند.

واگر بخواهید حاصل نزدیک به سه دهه تجربه خود را به زن‌ان جوان بگویید؟ می‌گویم خانواده را فدای کار نکنید. اگر می‌توانید شغلی را انتخاب کنید که انعطاف بیشتری داشته باشد. زن نباید مجبور باشد برای کار کردن از خانواده‌اش هزینه سنگین بدهد و خط‌با به مسئولان هم می‌گوید اگر می‌خواهیم خانواده و فرزندآوری تقویت شود، باید محیط کار را خانواده‌محور کنیم.

در جست‌وجوی تعادل میان کار، خانه‌ومادری

بازگشت مادر باشد، بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. واقعیت این است که دو راهی مادران شاغل، فقط انتخاب میان «کار کردن» و «خانه‌ماندن» نیست. این انتخاب، میان دو بخش مهم از زندگی آنهاست، میان مادری و هویت فردی و اجتماعی‌شان. میان نیاز به حضور در کنار فرزند و نیاز به داشتن استقلال، درآمد و ادامه مسیری که سال‌ها برایش تلاش کردند. این ماجرا فقط به ماه‌ها و سال‌های اولیه زندگی کودک ختم نمی‌شود، بلکه هر چه بزرگ‌تر می‌شود، شکل این چالش هم تغییراتی می‌کند. روزهای شش‌رو مدرسه از راه می‌رسد، رفت‌وآمدها، مشق نوشتن‌ها، جلسات با اولیا و مربیان، کلاس‌های مختلف آموزشی و هزار و یک کاری که انگار بیشتر شان، ناگفته، روی دوش مادران قرار گرفته‌اند.



اینجا دیگر یک پای مادر در مدرسه است و پای دیگرش در محل کار! او باید به جلسه برسد، وظایف محوله کاری‌اش را به درستی تحویل دهد، دنبال کودک برود، برای نوشتن مشق و احتمالاً امتحان فراداش آماده‌اش کند و در نهایت، وقتی روز تمام می‌شود، در خانه، بخش دیگری از مسئولیت‌ها منتظر اوست که انجام شوند. واقعیت این است که مادران شاغل، چه در خانه بمانند و چه به کار برگردند، با انتخابی آسان روبه‌رو نیستند. چرا که هر دو راه برایشان مسئولیت‌ها و دشواری‌های خودش را دارد! آنها ناگزیرند میان مادری، کار، خانه و خواسته‌های شخصی‌شان تعادلی پیدا کنند. تعادلی که گاهی بهایش خستگی و گاه هم چشم‌پوشی از بخشی از خواسته‌های خودشان است.

مهسا گربندی

برخی دو راهی‌ها را نمی‌شود با حساب و کتاب حل کرد، هر راهی را که انتخاب کنی، چیزی را جاً خواهی گذاشت! ۹-ماه‌از روزی که تکه‌ای از وجودت را در آغوش گرفته‌ای، گذشته، و حالا زمان لباس‌ها آماده می‌شوند و وقت آن است که از خانه بیرون بزنی، اما آن طرف، کودکی است که هنوز نگاهی‌ش تو را دنبال می‌کند و شاید تمام دنیایش، همان چند ساعتی باشد که کنارش هستی. از همین‌جا یکی از سخت‌ترین چالش‌های مادران شاغل شروع می‌شود: انتخاب میان ماندن و رفتن؛ میان وقت گذراندن با کودکی که هر روز بزرگ‌تر می‌شود و شغلی که برای رسیدن به آن سال‌ها تلاش کرده‌ای، درس خوانده‌ای و تجربه اندوخته‌ای. برخی از همان ابتدا، قید کار و درآمد و سابقه شغلی‌شان را می‌زنند و تصمیم می‌گیرند کنار فرزند تازه به دنیا آمده‌شان بمانند. آنها مادری را انتخاب می‌کنند، که تمام وقت و بی‌وقفه، روزهای اول شاید از انتخاب‌شان مطمئن باشند و از دیدن اولین لبخندهای کودک خود، قدم‌های کوچکش و لحظه‌هایی که دیگر تکرار نمی‌شوند، نهایت لذت را ببرند. اما زمان که می‌گذرد، کم‌کم کنج‌های غم به سراغشان می‌آید، غم شغلی که از دست رفته، درآمدی که دیگر وجود ندارد و مسیری که پیش‌تر برای ساختنش تلاش کرده بودند و حالا دیگر آن را ندارند. گاه از خود می‌پرسند، اگر مانده بودم، امروز کی بودم؟ آیا می‌توانستم هنوز هم در اجتماع نقش داشته باشم؟ درآمدی داشته باشم؟ مستقل‌تر باشم و نتیجه سال‌ها تلاش و تجربه‌ام را از دست ندهم؟

در سویی دیگر این دو راهی، مادری‌ای هستند که با تمام سختی‌ها، شغلشان را حفظ می‌کنند. صبح‌ها کودک را به مهد می‌سپارند، از پرستار کمک می‌گیرند یا دانشا را به همراهی پدر و مادرشان خوش می‌کنند و صبح به صبح، راهی محل کار می‌شوند. آنها تمام تلاش‌شان را می‌کنند که هم مادر باشند و هم زن شاغلی که جایگاه حرفه‌ای و استقلال مالی‌اش را از دست نمی‌دهد. اما این انتخاب هم بی‌هزینه نیست. برای مادری که ساعت‌ها از فرزندش دور است، حتی فکر کردن به لحظه‌هایی که بدون حضور او می‌گذرند، می‌تواند آزاردهنده باشد، اولین کلمه‌ای که شاید نشنیدند، بازی‌ای که کنارش نبودند، یا اتفاق کوچکی که بعدها دیگر امکان تکرارش وجود ندارد. این مادر شاغل در محل کار است، اما بخشی از ذهن و دلش در خانه جا مانده، کنار تکیه‌ای و وجودش، که هر روز، بی‌آنکه منتظر